

## گاز طبیعی در آسیای مرکزی

Akira Miyamoto, *Natural Gas in Central Asia: Industries, Markets and Export Options of Kazakstan, Turkmenistan and Uzbekistan*, The Royal Institute of International Affairs, Energy and Environmental Programme, London, 1997.

از زمان تجزیه شوروی به بعد، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به عنوان خوش آتیه ترین منطقه جدید در جهان برای توسعه منابع نفت و گاز مورد توجه قرار گرفته است. شرکت های بزرگ نفتی فعالانه در این منطقه در جستجوی فرصت های سرمایه گذاری می باشند و چندین طرح عظیم نفتی، نظیر طرح بهره برداری از منابع نفت دریا نزدیک باکو یا منابع نفتی تنگیز قزاقستان در حال اجراست. همراه با طرح های اکتشاف و بهره برداری، برنامه های متعددی برای ساخت خطوط لوله جدید برای انتقال نفت و گاز از این منطقه محصور در خشکی به خارج تحت بررسی است که تعدادی از این برنامه ها مراحل شکل گیری نهایی خود را می گذرانند.

در دوره شوروی، در نحوه مدیریت فعالیت های اقتصادی و تجاری هیچ تفاوتی بین جمهوری های آسیایی دیده نمی شد، همه به یک شکل تحت نظر مسکو عمل می کردند. امروز شش سال پس از استقلال، تفاوت قابل ملاحظه ای میان آنها از نظر مدیریت سیاست داخلی، سیاست خارجی، و امور اقتصادی به چشم می خورد. وضعیت صنعت گاز در جمهوری های آسیای مرکزی از این قاعده مستثنی نیست. سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان، دارای ذخایر ثابت بالقوه قابل ملاحظه گاز طبیعی هستند اما از نظر صادرات ظرفیت آنها متفاوت است.

از نظر تولید، به دلیل مشکلات صدور، کاهش قابل ملاحظه ای در تولید گاز ترکمنستان دیده می شود. در ازبکستان برعکس با توجه به اتخاذ یک سیاست موفق انرژی تولید به طور ثابت و مستمر افزایش یافته است. در قزاقستان تولید به دلیل عدم سرمایه گذاری کافی به طور چشم گیر کاهش پذیرفته است. وضعیت کاهش یا افزایش مصرف گاز در این کشورها را نمی توان به درستی بیان داشت چرا که اطلاعات آماری قابل وثوقی در دست نیست.

در زمینه قیمت و فروش گاز، تصمیمات و تغییرات مهمی صورت گرفته است. در محدوده داخلی، ترکمنستان توزیع گاز در مناطقی از داخل کشور را به طور رایگان انجام می دهد. در ازبکستان و قزاقستان قیمت گذاری بر روی گاز مطابق با برنامه های اصلاح اقتصادی و رهنمودهای کلی که آن برنامه

ارائه می‌دهد، انجام می‌گیرد. در زمینه فروش گاز به خارج و به جمهوری‌های دیگر، این فروش‌ها طلب و بدهی انباشته فراوانی را موجب شده است. عدم پرداخت بهای گاز خریداری شده از سوی جمهوری‌ها به صورت یک رویه معمول درآمدی است. ترکمنستان و ازبکستان به‌عنوان دو صادرکننده عمده گاز، دو طلبکار بزرگ و قزاقستان که هنوز محتاج واردات گاز است، کشور مقروض در میان این سه کشور است. نظر به مشکلاتی که پس از استقلال بر سر راه صدور گاز ترکمنستان به خارج پیش آمد، اقتصاد این کشور شدیداً صدمه دیده است.

در زمینه تأسیسات زیربنایی، سیستم حمل‌ونقل و انتقال گاز این سه کشور به یکدیگر متصل است اما راه دسترسی آنها به خارج از قلمرو کشورهای مستقل مشترک‌المنافع محدود و منحصر به مسیرهایی است که از روسیه می‌گذرد. ایجاد یک شبکه توزیع گاز در قزاقستان، که گاز را به بازار مصرف داخلی برساند، به سرمایه‌گذاری معتناهی نیاز دارد. اما از این نظر وضع ازبکستان و ترکمنستان نسبتاً خوب است و این دو در این زمینه به سرمایه‌گذاری کمتری احتیاج دارند.

از نظر سیاست گازی، دولت ازبکستان به‌دنبال دستیابی به خودکفایی در زمینه انرژی است، از این رو سیاست حفظ ذخایر نفتی را در اولویت کاری خود قرار داده است. ترکمنستان برعکس با توجه به ذخایر عظیم گازی خود و مصرف نسبتاً کم در داخل، یک سیاست مجدانه صادراتی را دنبال می‌کند. قزاقستان به صورت بالقوه می‌تواند یک صادرکننده گاز باشد، اما به دلیل عدم سرمایه‌گذاری کافی در تولید و عدم سرمایه‌گذاری در تأسیسات زیربنایی در مرحله فعلی هنوز یک واردکننده محسوب می‌شود. سیاست خصوصی‌سازی، که عامل مهمی برای جلب سرمایه‌های خارجی است، در این سه کشور به‌طور قابل ملاحظه‌ای از یکدیگر متفاوت است. قزاقستان فعالانه به‌دنبال پیاده کردن یک برنامه خصوصی‌سازی در بخش انرژی است و این کار را به مقدار زیادی پیش برده است. مؤسسات گاز و نفت از اواسط سال ۱۹۹۶ جهت عرضه به سرمایه‌گذاران خارجی به مزایده گذاشته شده‌اند. این خصوصی‌سازی در آنجا که به صنعت گاز ارتباط می‌یابد، با توجه به نبودن راه دسترسی به خارج که از آن طریق امکان تحصیل درآمد ارزی میسر باشد، زمینه مساعدی ندارد. دولت ترکمنستان هیچ برنامه‌ای برای خصوصی‌سازی صنعت گاز و نفت خود ندارد و در ازبکستان با وجود برنامه خصوصی‌سازی دولت، هنوز تا رسیدن به مرحله خصوصی‌سازی شرکتهای نفت و گاز خیلی فاصله است.

هر سه دولت، سرمایه‌گذاری خارجی در طرح‌های تولید و امور خطوط لوله انتقال و توزیع نفت را تشویق می‌کنند اما وضعیت شرکتهای خارجی از نظر سرمایه‌گذاری در هریک از این کشورها به شکل

خاص خود است. در قزاقستان، تعدادی شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک تشکیل و تولید نفت آغاز شده است. در ترکمنستان و ازبکستان، حجم سرمایه‌گذاری خارجی و میزان تولید از محل طرح‌های مشترک سرمایه‌گذاری بسیار کم است. تا جایی که به گاز طبیعی ارتباط می‌یابد، فعالیت شرکت‌های خارجی در مقایسه با بخش نفت خیلی محدود است چرا که عدم وجود تأسیسات زیربنایی و زیرساخت‌های لازم، همراه با مشکلات پرداختی، بازارهای منحصر و محدودی را در داخل و خارج عرضه می‌دارد.

روابط با روسیه در صنعت گاز و نفت هر سه کشور عامل مهمی محسوب می‌شود. شبکه حمل گاز همه در روسیه متمرکز است. این سه کشور علاقه‌مندند که با روسیه رابطه برابر برقرار نمایند. آنها مترصدند که به نفع اعتلای حاکمیت ملی از نفوذ روسیه کم کنند. آنها در عین حال مایل به داشتن روابط خوب با روسیه هستند و از داشتن چنین رابطه‌ای نفع می‌برند. هر سه کشور قطعاً مایلند تا از دشمنی با روسیه اجتناب ورزند. قزاقستان با وجود بعضی کشمکش‌ها، عمدتاً به دلیل شرایط جغرافیای سیاسی سعی در حفظ نزدیکی خود با روسیه دارد. ترکمنستان در زمینه سیاست صادراتی و درآمدهای حاصل از صادرات با روسیه اختلافاتی داشت، اما اینک حداقل در ظاهر سیاست همراهی با روسیه را در پیش گرفته است. ازبکستان سیاست روابط برابر و متعادل با روسیه را دنبال می‌کند و به همین خاطر در برابر هر ابتکار روسیه برای اتحاد و همبستگی دوباره مقاومت می‌نماید. این کشور موفق شده است از وابستگی خود به نفت روسیه و نیز وابستگی به گاز طبیعی، بکاهد.

ایجاد مسیرهای جدید برای صدور گاز طبیعی، و به‌خصوص برای ترکمنستان که با ظرفیت تولید اضافی روبروست، از اهمیت حیاتی برخوردار است. گزینه‌های متعددی برای دسترسی به بازارهای خارج از طریق ایران، ترکیه، اروپا، پاکستان، چین، کره، و ژاپن وجود دارد. گزینه‌های ممکن فعلی چهار مسیر را به این منظور پیشنهاد می‌کند:

۱. مسیر ایران - ترکیه - اروپا

۲. مسیر غربی از زیر دریای خزر از طریق کشورهای قفقاز به ترکیه و اروپا

۳. مسیر جنوبی از طریق افغانستان و پاکستان (و هند)

۴. مسیر شرقی از طریق چین، کره و ژاپن

مسیر جنوبی به دلیل فاصله کوتاه‌تر خط لوله از نظر اقتصادی از همه شدنی‌تر به نظر می‌رسد، اما بی‌ثباتی در افغانستان ممکن است کار تأمین مالی طرح را با مشکل مواجه سازد. گاز صادراتی آسیای

مرکزی به ترکیه و اروپا می‌باید با گاز روسیه و دیگر کشورها رقابت نماید و به خاطر فاصله زیاد خطوط لوله به نظر نمی‌رسد بتواند توفیقی داشته باشد. از آنجا که ایالات متحده سیاست تحریم خود علیه ایران را ملایم‌تر کرده است امکان تأمین مالی برای مسیر ایران آسان‌تر شده است. در حال حاضر در مورد این مسیر عامل تعیین‌کننده، موضع گاز پروم و محاسبات مربوط به مقرون به صرفه اقتصادی بودن آن می‌باشد. مسیر عبوری از زیر دریای خزر هزینه بیشتری از مسیر ایران دارد. اجرای بعضی از طرح‌های با مقیاس کوچک، از جمله در ایران، پیشرفت‌هایی داشته است. اما ساخت خط لوله در مقیاس بزرگ (حجم ۳۰ میلیارد مترمکعب در سال) به سمت ترکیه در شرایط فعلی محتمل به نظر نمی‌رسد. شبکه‌های اتصال کوچک و منطقه‌ای در نهایت می‌توانند مبنای تکمیل یک طرح بزرگ را فراهم بیاورند.

از نقطه نظر روسیه، هرچند گاز پروم در طرح‌های فعلی برای مسیرهای عبوری از پاکستان و ترکیه مشارکت دارد، بعید است که این شرکت در طرح‌هایی که می‌توانند در آینده به صورت رقیبی برای صادرات روسیه به خارج جلوه‌گر شوند، سرمایه‌گذاری جدی به عمل آورد. در بازارهایی هم که گاز پروم در آن نفتی نمی‌فروشد، مثل پاکستان و چین، کمبود منابع مالی مانع از هر نوع سرمایه‌گذاری عمده است. با فرض اینکه گاز پروم درصدد آن است تا نفوذ خود بر دیگر جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع را با کمترین هزینه به حداکثر برساند، دولت روسیه احتمالاً تنها کار طرح‌هایی را پیش خواهد برد که بتواند بر آنها کنترل کامل داشته، منافع سیاسی را از طریق تنظیم حجم گاز عبوری از قلمرو خود تأمین، و تنها درآمد کمی را برای جلوگیری از وقوع بی‌ثباتی در جمهوری‌های سابق عاید سازد. رویارویی بین روسیه و کشورهای آسیای مرکزی در این مسائل و موضوعات خیلی محتمل است. گاز پروم تنها در صورتی اجازه عبور گاز کشورهای آسیای مرکزی از خاک خود را می‌دهد که این گاز در کنار مرز و به قیمت رقابتی با قیمت گاز روسیه، به خود آن کشور فروخته شود. کشورهای آسیای مرکزی طبعاً با چنین کیفیتی موافق نیستند و علاقمندند که گاز خود را با عبور از روسیه مستقیماً به مصرف‌کنندگان و خریداران در خارج بفروشند. معاهده منشور انرژی<sup>۱</sup> که توسط همه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع امضا شده است، هرچند می‌تواند به افزایش انتقال گاز کمک نماید، اما این معاهده هنوز مورد تصویب پارلمان این کشورها قرار نگرفته است.

طرح قراچاقناق<sup>۲</sup> نمونه‌ای است که مشکلات صدور گاز کشورهای آسیای مرکزی را به خوبی نشان می‌دهد. این حوزه گازی در نزدیکی خط مرزی روسیه و قزاقستان از حجم گاز بسیار و ذخیره

متراکم معتنا بهی برخوردار است و بالقوه یکی از مهمترین طرح‌های گازی در آسیای مرکزی است. بعد از تجزیه اتحاد شوروی، حق بهره‌برداری از این حوزه به بریتیش گاز و آجیب واگذار شد (تکزا کو هم در ۱۹۹۷ به جمع طرفهای قرارداد پیوست) و متعاقب آن افزایش کمی قابل ملاحظه‌ای در تولید آن انتظار می‌رفت. اما با اینکه این حوزه چند صد کیلومتر بیشتر از نقطه شروع خط لوله سایوز روسیه فاصله نداشت، برای استفاده از آن خط و صدور گاز به اروپا از طریق آن، هیچ صحبتی به میان نیامده است. حتی در روند فعالیتهای تولید آن هم به دلیل موضع غیرهمکارانه گاز پروم، با وجود اینکه ۱۵٪ از سهام قرارداد را در فوریه ۱۹۹۵ به دست آورده وقفه ایجاد شده است. در اواسط سال ۱۹۹۶ گزارش شد که گاز پروم و لوک‌اویل مذاکراتی را برای انتقال سهام گاز پروم به لوک‌اویل انجام داده و از این قصد خود دیگر طرفهای قرارداد را مطلع ساخته‌اند. یک چنین نقل و انتقالی به معنای ترجیح فعالیتهای نفتی بر تولید گاز بوده و دلیل آن هم روشن است. تا وقتی که گاز پروم ظرفیت تولید اضافی داشته باشد توجهی به گاز قرچاقناق معطوف نخواهد داشت. شرکت‌های گاز تا زمانی که حاضر به فروش گاز خود به قیمت رقابتی با گاز روسیه به خود روسیه نباشند، نمی‌توانند با گاز پروم کنار آمده و موفق به کسب اجازه عبور و انتقال گاز خود به خارج شوند. بنابراین راهبرد کلی گاز پروم را در قبال منابع گاز آسیای مرکزی به روشنی می‌شود در مورد طرح گاز قرچاقناق مشاهده کرد.

در زمینه خط لوله به سمت شرق، بازار مقرون به صرفه اقتصادی با توجه به هزینه حمل محدود، مناطق غربی چین است و تحویل گاز در سواحل شرقی - در حاشیه اقیانوس آرام - جایی که تقاضای زیادی برای آن وجود دارد، به صورت رقابتی در نمی‌آید.

به‌رحال، کشورهای آسیای مرکزی برای صدور گاز منطقه به خارج با چهار گزینه عملی روبرو هستند:

- اول، فروش گاز به روسیه در کنار مرز
- دوم، فروش گاز به دیگر جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع در کنار مرز آنها، مشروط به آنکه روسیه اجازه عبور گاز از قلمرو خود را بدهد
- سوم، تشویق و ترغیب روسیه به اینکه موافقت کند تا گاز آنها به اروپا حمل و در آنجا به فروش رود.

چهارم، تعطیل چاه‌های گاز تا وقتی که مسیر صادراتی مناسبی برای آنها احداث شود. از زمان استقلال تاکنون، تنها گزینه‌های اول و دوم عملی بوده است، اما این دو شیوه مطلوب

نظر سه کشور تولیدکننده گاز نیست. بهترین گزینش راه سوم - فروش گاز به خارج پس از عبور از روسیه - است اما گاز پروم اجازه چنین انتقالی را نمی‌دهد. گزینه چهارم - معطل ماندن تا زمان احداث مسیرهای صادراتی جدید - به موقع خود می‌تواند درآمد قابل ملاحظه‌ای را عاید این کشورها سازد اما این امر تنها در درازمدت میسر است. در کوتاه‌مدت ترکمنستان احتمالاً به انتخاب گزینه اول و دوم ادامه خواهد داد. تمام طرح‌های پیشنهادی فعلی با مشکلات متعدد روبرو هستند و پایان یافتن طرح‌های اصلی و اساسی‌تر که دسترسی به بازارهای دور را ممکن می‌سازد، حداقل ده سال به طول می‌انجامد. نفوذ گاز پروم احتمالاً در رابطه با ترکمنستان ادامه خواهد یافت. درآمدهای حاصل از صادرات گاز برای اقتصاد ترکمنستان حیاتی است، اما روسیه ظرفیت تولید اضافی قابل ملاحظه‌ای دارد که با هزینه پایین به بازارهای اروپا صادر می‌شود. گزینه سوم برای ترکمنستان محتمل نیست.

قزاقستان هم به نظر می‌رسد احتمالاً مجبور باشد تا مدتی به گزینه‌های اول و دوم تن بدهد. قزاقستان برای روسیه از نظر راهبردی، به دلایل تاریخی و جغرافیای سیاسی، یکی از مهمترین جمهوری‌هاست و نفوذ گاز پروم در مقایسه در آنجا از همه بیشتر است. اما چون قزاقستان به دلیل فقدان تأسیسات و تسهیلات زیربنایی و به‌خاطر اولویتی که به اکتشاف و بهره‌برداری از نفت می‌دهد، فعلاً واردکننده گاز است، بنابراین از بستن موقت چاه‌های گاز تا زمان احداث مسیر مناسب برای صدور آنها چندان ضرری نمی‌بیند. روی این اصل، این کشور می‌تواند گزینه‌های اول و دوم را رد کند و اگر نتواند به گزینه سوم دست باید منتظر گزینه چهارم باقی بماند.

ازبکستان چون سیاست خودکفایی را در اولویت قرار داده است، بنابراین ظرفیت اضافی برای صدور گاز ندارد و اگر قرار بر صدور گاز باشد، به‌منظور پرهیز از برخورد با روسیه احتمالاً به شیوه گزینه‌های اول و دوم عمل خواهد کرد.

در دورنمایی درازمدت‌تر، اگر نفوذ سیاسی و اقتصادی روسیه در منطقه تضعیف شود و رابطه متوازن و برابری بین روسیه و جمهوری‌ها برقرار شود، گزینه سوم، که متضمن کمترین هزینه سرمایه‌گذاری برای انتقال گاز جمهوری‌های مستقل مشترک‌المنافع به خارج است، امکان‌پذیر می‌گردد. اگر برعکس نشود روسیه در منطقه تقویت شود، تنها چاره‌ای که برای کشورهای آسیای مرکزی باقی می‌ماند، تعطیل نمودن چاه‌های نفت و منتظر ماندن تا احداث مسیرهای صادرات جدید برای گاز خواهد بود.

دکتر شهرام ترابی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی